

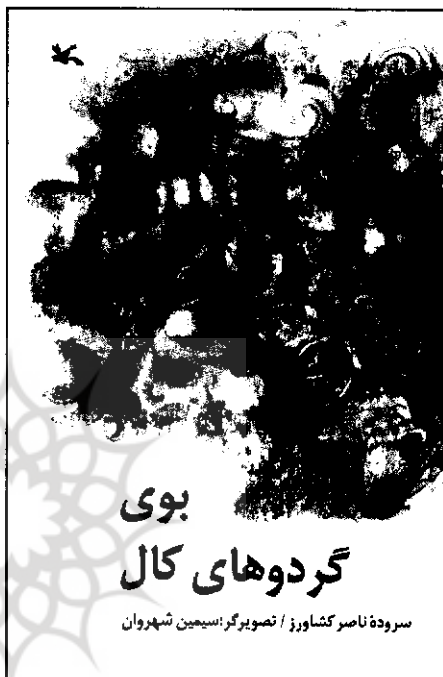
زبان و تصویر آفرینی در شعر کودک و نوجوان

مریم شریف‌نسب
دانشجوی دکتری ادبیات فارسی
دانشگاه علامه طباطبایی

کمبود پژوهش‌های علمی و اصولی در این زمینه، موجب شده هنوز هم اغلب والدین، میان «خواندنی‌های کودک و نوجوان» و «ادبیات کودک و نوجوان» تمایزی قائل نشوند و این خود، در کنار سایر عوامل، شرایط مناسبی برای چاپ روزافزون کتاب‌های بازاری با قیمت‌های گزاف فراهم می‌کند؛ حال آن‌که با یک پژوهش صحیح و علمی، می‌توان قابلیت‌ها، توانایی‌ها و حتی ضعف‌های موجود در شعر کودک و نوجوان را بررسی کرد و از این طریق، به تقویت نقاط قوت و جبران کاستی‌ها پرداخت، در این پژوهش، کوشیده‌ایم تصویر آفرینی‌های موجود در یک‌صد مجموعه شعر کودک و نوجوان را که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سروده و منتشر شده‌اند، بررسی و تحلیل کنیم.

تصویر یا «ایماژ» عنصر ثابت شعر است^(۱)؛ زیرا مفاهیم انتزاعی، ذهنی و عاطفی را عینیت می‌بخشد و از این طریق، به خواننده امکان می‌دهد به دنیای پنهانی روح شاعر وارد شود و دقایق و ظرافت‌های نهفته ذهنی او را دریابد. اهمیت تصویر آفرینی تا آن‌جاست که بارزترین تفاوت میان علم و هنر را غلبه اندیشه تصویری بر اندیشه مفهومی دانسته‌اند.

پنداره تصویری انسان‌ها، بر اساس سن آن‌ها، متغیر و متفاوت است. میزان درک تصویری کودکان را در سنین مختلف، می‌توان تا حدودی از روی نقاشی‌های آنان بررسی کرد؛ زیرا نقاشی، شکلی از کارکرد نشانه‌ای است که حداقل میان بازی نمادی و تصویر ذهنی به حساب می‌آید.



اگر چه ادبیات فارسی، درختی کهن‌سال است که ریشه‌های هزار ساله در این مرز و بوم دارد، جای افسوس و شگفتی است که ادبیات کودک و نوجوان، این نهال نوپا، در معرض بادهای سهمگین غفلت و بی‌توجهی و حتی گاه تمسخر قرار گرفته است. هنوز هم برخی از صاحب‌نامان و پیش‌کسوتان ادبیات، حتی در جامعه دانشگاهی، مقوله‌ای به نام «ادبیات کودک و نوجوان» را به رسمیت نمی‌شناسند. در خیل عظیم کتاب‌هایی که هر ساله به چاپ می‌رسد، تعداد انگشت‌شماری به مقوله تحلیل و بررسی ادبیات کودک و نوجوان مربوط می‌شود و همان تعداد اندک نیز اغلب غیر علمی، سطحی و شتابزده است. در پایان‌نامه‌های دانشجویی نیز متأسفانه، توجه زیادی به این موضوع نمی‌شود.

۱. شاعر انگلیسی Day Lewis

خوشایندی در مخاطب بیدار می‌شود؛ حسی که هر آهنگ کلامی یا غیرکلامی روی انسان می‌گذارد. با تصویری کردن زبان، تفاوت بین زبان ادبی و زبان عادی، عمیق‌تر و مشهودتر می‌شود. روندی که زبان ادبی برای فاصله‌گذاری با زبان عادی طی می‌کند، به همین‌جا ختم نمی‌شود. عاطفی کردن زبان، با شیوه‌های شناخته‌شده‌ای چون استفاده از زبان محاوره، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و به طور کلی استفاده از زبان مردم کوچه و بازار، عمق می‌یابد. در حالی که به همین شگردها نیز ختم نمی‌شود...»^(۴)

تصویرسازی‌های زبانی که مورد بحث این مقاله است، در یک‌صد مجموعه شعر، از دوازده نفر از نامدارترین شاعران کودک و نوجوان امروز ایران، مورد بررسی قرار گرفته است.^(۵)

۱. حسامیزی synaesthesia

یکی از وجوه برجسته ادای معانی از رهگذر صور خیال، کاری است که نیروی تخیل در جهت

۱. بیازه، ژان و باربل اینهلدر؛ روان‌شناسی کودک؛ ص ۷.
۲. محمدرضا، شفیعی کدکنی؛ محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی؛ ص ۱۵.
۳. برای آگاهی از حاصل صور خیال در یک‌صد مجموعه شعر کودک و نوجوان ر.ک. مریم، شریف‌نسب؛ تحلیل تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی - دانشگاه تهران)، به راهنمایی آقای دکتر منوچهر اکبری و آقای دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده؛ شهرپور ۱۳۸۵
۴. محمدهادی، محمدی؛ فرایند آفرینش ادبیت و معنای ادبیات کودکان، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۱۷، ص ۱۴.
۵. این ۱۲ نفر، به ترتیب الفبایی شده نام خانوادگی، عبارتند از: ۱. جعفر ابراهیمی (شاهد)، ۲. قیصر امسین‌پور، ۳. مسعود پسرورهاب، ۴. مصطفی رحماندوست، ۵. افسانه شعبان‌زاد، ۶. اسدالله شعبانی، ۷. افشین علاء، ۸. شکره قاسم‌نیا، ۹. ناصر کشاورز، ۱۰. محمدکاظم مزینانی، ۱۱. بیوک ملکی، ۱۲. حمید هنرجو.

«نقاشی کودک تا حدود ۸-۹ سالگی، تنها در نیت، واقع‌گراست. کودک در آغاز نقاشی، آنچه را که از کسی یا چیزی می‌داند، می‌کشد و در مراحل بعدی است که آنچه را می‌بیند، ترسیم می‌کند. این نکته بسیار اساسی است؛ زیرا همین امر درباره تصویر ذهنی نیز صادق است. تصویر ذهنی، پیش از آن‌که برگردان درست ادراک باشد، ابتدا به صورت مفهوم ظاهر می‌شود.»^(۱)

از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی، کودک و نوجوان را به گونه‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند. با تلفیق دیدگاه‌های گوناگون روان‌شناسی (ژان پیازه و باربل اینهلدر - اریک اریکسون) شاید بتوان گفت فاصله سنی ۳ تا ۷ سال «خردسال»، ۷ تا ۱۲ سال «کودک» و ۱۲ تا ۱۶ سال «نوجوان» نامیده می‌شود. بدیهی است مرزهای این تقسیم‌بندی بر حسب شرایط محیطی، خانوادگی، فردی و... بسیار متغیر است.

در ایجاد تخیل شعری، عوامل متعددی دخیلند. زبان، موسیقی، عاطفه و تخیل از مهم‌ترین این عوامل هستند. تصویر یا خیال که ناقدان اروپایی آن را «ایماژ» می‌خوانند، «مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف ارائه‌تصاویر ذهنی می‌سازد...»^(۲)

در این مقاله، از میان شگردهای گوناگون تصویرآفرینی، به بررسی وجوه مختلف زبان تصویری پرداخته خواهد شد؛ زیرا بررسی صور خیال در شعر کودک و نوجوان (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) گستره بسیار وسیعی است که در یک مقاله نمی‌گنجد.^(۳)

«چند شگرد اساسی که در فرآیند آفرینش ادبیات از آن‌ها سود برده می‌شود، یکی موسیقایی کردن زبان است و دیگری، شگرد تصویری کردن زبان. با آهنگین کردن زبان، نه تنها بین زبان ادبی و زبان عادی فاصله‌گذاری می‌شود، بلکه حس

توسعه لغات و تعبیرات مربوط به یک حس انجام می‌دهد یا تعبیرات و لغات مربوط به یک حس را به حس دیگر انتقال می‌دهد. حسامیزی یکی از راه‌های اسناد مجازی است و به تعبیر لیچ، از عناصر



قصه‌های دارد و آن / قصه پاییز است.
(مصطفی رحماندوست - قصه برگ - از: موسیقی باد)

صدای تو آبی است مادر برایم / صدای تو زیباترین شعر ناب است...

(جعفر ابراهیمی - صدای مادر - از: بوی نان تازه)
در این مورد، شاعر با درآمیختن دو حس شنوایی و بینایی، ترکیب «صدای آبی» را ساخته است.

بوی گل و هوا را / آن روز می‌توان دید / آن روز می‌توان باز / با جویبار خندید...

(جعفر ابراهیمی - بهار - از: آواز پونهک)
در این جا «دیدن بو»، حاصل ترکیب دو حس ظاهر آ ترکیب ناشدنی است.

... می‌چکد بر دل من / قطره‌های رنگ سکوت...
(اسدالله شعبانی - کپوراره زندگی - از: خانه پروانه‌ها)
«رنگ سکوت» نیز از آمیزش دو حس بینایی و شنوایی، پدید آمده است.

ب - حسامیزی با بهره‌گیری از حس بویایی: [بوی حرف]: حرف‌هایی که همیشه / بوی نان تازه می‌داد / حرف‌هایش مرده را هم / باز جان تازه می‌داد...

(محمدکظم مزینانی - تو خورد هفت آسمانی - از: ساده‌مثل آسمان)

[چشم خوشبو]: در نگاه من ترگس / یک فرشته ناز است / چشم زرد و خوشبویش / رو به چشم من باز است...

(ناصر کشاورز - نگاه - از: بوی گردهای کال)

[بوی اذان]: پر می‌کشد دل من / تا آسمان مسجد / پر کرده آسمان را / بوی اذان مسجد...

(مصطفی رحماندوست - اولین افطار - از: کوچه‌های آبی)

برجسته‌سازی زبان ادبی (Foregrounding) محسوب می‌شود. حسامیزی در شعر کودک و نوجوان را می‌توان به گروه‌هایی تقسیم کرد:

الف - حسامیزی با بهره‌گیری از حس بینایی: به نگاه زرد زنبور / تن تو هزار لانه / و برای سار و گنجشک / دل تو هزار دانه
(ناصر کشاورز - گل آفتابگردان - از: بوی گردهای کال)
«نگاه زرد»، نوعی حسامیزی، با بهره‌گیری از حس بینایی است. به این اعتبار که رنگ در حوزه دیدنی‌هاست و نگاه، رنگ‌پذیر نیست.

رقص نارنجی برگ / از غمی لبریز است /

نشد. درباره حسامیزی، چند نکته شایسته ذکر است:

۱. حسامیزی در حوزه استعاره مکتبه (اسناد مجازی) است؛ حال آن‌که به این نکته در هیچ یک از کتب بلاغت اشاره نشده است. مثلاً در نمونه‌های بالا رقص، شیئی است که رنگ نارنجی دارد (شیء پنداری) یا حرف، کلی است که بو دارد (گیاه‌پنداری) یا هوا، خوراکی است که طعم دارد و...

۲. در یک‌صد مجموعه شعر مورد بررسی، بسامد حسامیزی با بهره‌گیری از حس بینایی، نسبت به حواس دیگر، بیشتر و بسامد حسامیزی با بهره‌گیری از حس شنوایی، از همه کمتر است. این نکته با عنایت به درصد به کار گرفته شدن هر یک از حواس پنجگانه در زندگی روزمره نیز قابل تبیین است: فعال‌ترین حس انسان، بینایی است که بیشترین سهم را در فعالیت‌های ادراکی او دارد.

۳. ترکیباتی که از طریق حسامیزی با بهره‌گیری از حس چشایی ساخته می‌شود، با زبان

[باریدن بوی گل]: از هوا انگاری / بوی گل می‌بارد / شاپرک در چشمش / آسمانی دارد...

(جعفر ابراهیمی - روزی انکشت بهار - از پروانه در باران)

پ - حسامیزی با بهره‌گیری از حس چشایی: [چشیدن طعم هوا]: می‌شود امروز از آغاز صبح / تازه شد و طعم هوا را چشید...

(بیوک ملکی - فصل دوستی - از: هوای صبح)

[چشم شور]: ناگهان در این طرف / سینه یک آینه پر نور شد / چشم شور دشمنان / لحظه‌ای از تابش آن کور شد...

(محمدناظم مریزانی - یک سؤال سرخ - از: ساده مثل آسمان)

[گریه تلخ]: راستی چگونه باورم شود / پر کشیده از میان ما اسام؟ / رفته است و مانده گریه‌های تلخ / رفته است و مانده راه ناتمام

(افشین علاء - ساقه‌های قلب ما... - از: یک سبد بوی بهار)

ت - حسامیزی با بهره‌گیری از حس لامسه: [نگاه تیز]: باخت ریحان رنگ خود را / زرد شد کمرنگ شد / از نگاه تیز چاقو / قلب نعناتنگ شد...

(ناصر کشورز - سبزها - از: بوی گردوهای کال)

[صدای تر]: ... من به دنبال صدای تر آب / از دل ثانیه‌ها می‌گذرم...

(افسانه شعبان‌نژاد - آب چلیک - از: شیشه آواز)

[صدای گرم و روشن]: کودکی شور خدا در سر / با صدایی گرم و روشن / گفت: «اینک من / یاوری دیگر»...

(فخر امین‌پور - منظومه ظهر روز دهم)

از حسامیزی با بهره‌گیری از حس شنوایی، هیچ مثالی در مجموعه‌های مورد بررسی، یافته



پیر از خالی: دست‌های پر از خالی‌ام را / پیش
روی همه می‌تکانم / چکه‌چکه تمام دلم را / در دل
بچه‌ها می‌چکانم

(قبیصر امین‌پور - لحظه شعر گفتن - از: به قول پرستو)

رود تشنه: ... منم آن رود تشنه، کو آبی؟...

(محمود پوروهاب - منظومه امام گلپا)

دنیای بی‌دنیا: به یاد بچه‌های کوچ‌نور / که
تا آبادی باران پریدند / از این دنیای بی‌دنیا
گذشتند / به اقیانوس آزادی رسیدند...

(حمید هنرجو - حرف‌های پرستو - از: برف گل یاس)

چنان‌که از نمونه‌ها نیز برمی‌آید،
متناقض‌نمایی در شعر کودک و نوجوان، دقیقاً در
همان چارچوب متناقض‌نمایی در شعر بزرگسال و
حتی سخنان عرفا و صوفیه می‌گنجد و از حیث
ساختار، هیچ تفاوتی میان این دو مقوله وجود
ندارد. این نکته، به لحاظ اثبات توانمندی‌های
بالقوه شعر کودک و نوجوان، حائز اهمیت است.

۳- کاربرد خاص افعال و اصطلاحات

«طبیعی بودن» و «امروزی بودن»، دو اصل مهم
است که باید در شعر کودک و در سطحی ناآزادتر در
شعر نوجوان، مورد توجه قرار گیرد. «طبیعی
بودن زبان در شعر کودک، به این معنی است که
ترکیب کلمات در جمله یا کلام یا مصرع، هر چه
بیشتر و تا آن‌جا که در قدرت شاعر است، به ترتیب
کلمات در گفتار، نزدیک باشد. ... امروزی بودن
زبان، به این معنی است که در شعر کودک، زبان
رایج امروز به کار رود و تنگناهای شعری یا تقلید،
موجب نشود که شاعر به زبان، فضای دوره‌های
گذشته را بدهد و حتی از موارد صرفی و نحوی



روزمره مردم قرابت بیشتری دارد و در اصطلاحات
رایج روزانه ایشان، کم و بیش استفاده می‌شود:
چشم شور، خواب شیرین، گریه تلخ...

۲- متناقض‌نمایی (Paradox)

«منظور از تصویر پارادوکسی، تصویری
است که دو روی ترکیب آن به لحاظ مفهوم، یکدیگر
را نقض کنند؛ مثل سلطنت فقر»^(۱) اگر بیان
پارادوکسی از دو عبارت ترکیب شود که در کاربرد
متعارف زبان متناقض باشند، Oxymoron
نامیده می‌شود؛ مثل دردهای خوشایند... در نقد
شعر امروز ایران، اصطلاح پارادوکس، برای هر دو
نوع بیان پارادوکسی (Paradox) و تصویر
پارادوکسی (Oxymoron) به کار می‌رود.^(۲)
با توجه به میزان درک و روحیات خردسالان،
در شعر خردسال، متناقض‌نمایی کاربردی ندارد،
اما در شعر کودک و خصوصاً نوجوان، می‌توان
نمونه‌های این آرایه را یافت:
[آهنگ سکوت]: سنجاقک و ماه / چیست؟ / -
آهنگ سکوت...

(اسدالله شعبانی - گهواره زندگی - از: خانه پروانه‌ها)

[آن روزها هر شب]: آن روزها هر شب برابیم /
چون بوی چای تازه دم بود...

(جعفر ابراهیمی - فصل صدای کبک - از: آواز پویک)

۱. محمدرضا، شمیمی کدکنی؛ شاعر آینده‌ها؛ ص ۵۴
۲. میمنت، میر صادقی (ذوالقدر)؛ واژه‌نامه هنر
شاعری، ذیل پارادوکس.

[خط و نشان کشیدن]: گربه سیاه رفت عقب /
پرید رو پشت بومشون / حسنی با چوب براش
کشید / روی هوا خط و نشون!

(شکوه قاسمی - جوجه نار حسنی - از: حسنی کلاس چنده؟)

گرچه پایان راه معلوم است / هست تاریک و پر
خطر این راه / کاش می‌آمدی تو هم با من / راه با
همسفر شود کوتاه.

(معطفی رحماندوست - همسفر - از: کوچم‌های آبی)

مادر از این دروغ او / خندید و گفت: ای شکمو /
دیزی درش بازه ولی | بگو حیای گربه کو؟

(اسدالله شعبانی - علی کوچولو و مدرسه)

ب - تصویر آفرینی از طریق بهره‌گیری از
قیدهای نو و ابداعی:

یک کاسه شبنم جمع کردم / باغ گلم را آب دادم /
بر روی پیچک‌های باغم / پروانه‌ها را تاب دادم

(افسانه شعبان‌نژاد - یک کاسه شبنم)

قید مقدار «یک کاسه» برای شبنم (در ضمن
«شبنم‌گیری» که به قیاس «گلاب‌گیری» ساخته
شده، نوآوری در زبان است).

باز هم چشمه چشمه خون جوشید / از گلوی
شهید دیگر تو...

(محمود پورهاب - از منظومه امام کلبا)

شاعر از قید «چشمه چشمه»، به جای
قطره قطره، استفاده کرده است.

در دلش یک آسمان خورشید داشت /
دست‌هایش لانه گنجشک بود...

(حمید هنرجو - عشق‌هایش را مرتب می‌نوشت از: مثال ظهر عاشورا)

۱. محمود: کیانوش: شعر کودک در ایران؛ صص ۸۷ و

متروک یاری بگیرد»^(۱) این نکات، از آن حیث که
ادبیات و خصوصاً شعر برای گروه‌های سنی
کودک و نوجوان جنبه زبان‌آموزی نیز دارد، حائز
اهمیت است. با وجود این، باید در نظر داشت که
کاربرد خاص افعال و اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها،
کلمات و اصطلاحات عامیانه، روستایی، محلی و...
که به زبان برجستگی و زیبایی می‌دهد، در شعر
کودک و نوجوان، کاربرد فراوان دارد.
برجستگی‌های زبانی را در چند دسته می‌توان
تقسیم‌بندی کرد:

الف - تصویر آفرینی از طریق بهره‌گیری از
ضرب‌المثل‌ها:

ضرب‌المثل‌ها که در حوزه کنایه قرار دارند، به
دو دلیل عمده، در شعر کودک و نوجوان حائز
اهمیتند: ۱. به دلیل عینیت بخشیدن و تصویری
کردن زبان ۲. به دلیل ساده‌کردن مفاهیم و تسهیل
انتقال و آموزش آن به کودکان و نوجوانان.

[رفیق نیمه‌راه]: و حیب بن‌مظاهر گفت: «آه /
ما و این‌جا و رفیق نیمه‌راه؟»

(جعفر ابراهیمی - از منظومه فصل خون میناب)



در دیدگاه شاعر، می‌توان به جای «گل» گفت:
بوی باغچه یا رنگ روی باغچه یا آبروی باغچه. در
واقع، شاعر برای «گل» سه معادل تازه ساخته
است.

پس باز کن در خود / جایی برای من / دریای
بی‌پایان / ای آبی روشن!

(جعفر ابراهیمی - دریا - از: خورشیدی این‌جا خورشیدی آن‌جا)

آب مثل سلامی / ریخت از ناودان‌ها / باز پاییز
آمد / فصل رنگین کمان‌ها.

(جعفر ابراهیمی - پاییز - از: آب مثل سلام)

ساقه‌های قلب ما شکسته است / از امام هم
شکسته‌تر شدیم / آه، ای کبوتران، بسیجان / ناله
سر کنید، بی‌پدر شدیم.

(افشین علاء - ساقه‌های قلب ما... - از: یک سبد بوی بهار)

چنین نامگذاری‌هایی، در حوزه سمبل هم قابل
بررسی‌اند.

در شهر تهران / در پایتخت دود و آهن / یک
کفروشی باز کردند...

(اسدالله شعبانی - کفروشی - از: خانه پروانه‌ها)

چنان‌که دیده می‌شود، نامگذاری‌های جدید،
معادل «بدل» در مباحث دستوری است.

ت - تصویر آفرینی از طریق بهره‌گیری از
عناصر بومی:

مقصود از عناصر بومی در این مقاله، عناصر
گویی هر منطقه نیست؛ زیرا در بسیاری موارد،
درک و دریافت معانی عبارات این چنینی، نیاز به
آشنایی داشتن با لهجه آن منطقه دارد. کلماتی که
در محور همنشینی به کار می‌روند، مجموعاً
تصویری می‌سازند که در ارتباط مستقیم با حال و
هوای آن کلمات است. مقصود از عناصر بومی، به
کارگیری نام‌ها و اصطلاحات بومی هر منطقه است

غنچه چشمانش / یک سبد شبنم داشت /
شاخه دستانش / یک قناری کم داشت...

(محمدکاظم مزیانی - شبنم و غسل - از: گل آینه قرآن)

در دلش جوانه زدا امید / یک بهار خنده بر لبان
او شکفت...

(بیوک منگی - بر بال رنگین‌کمان)

این‌گونه قیده‌های نو و ابداعی «وابسته عددی»
نیز خوانده شده‌اند.



پ - تصویر آفرینی از طریق نامگذاری جدید:
مقصود از نامگذاری جدید، این است که شاعر
برای یک پدیده مألوف و مأنوس، نام هنری جدیدی
برگزیند. نامگذاری جدید پدیده‌ها، موجب آشنایی -
زدایی از کلام و در نتیجه، تصویر آفرینی ادبی می‌شود.
گل چیست؟ بوی باغچه / یا رنگ روی باغچه /
من توی این فکرم که هست / گل آبروی باغچه
(محمد پروهاب - گل... از: صدای ساز باران)

بهره گرفته است.

گاهی به دنبالم / گاهی جلو هستی / در زیر
پاهایم / گاهی ولو هستی

(جعفر ابراهیمی - نو کیستی؟ - از: مثل رس)

در اینجا با اصطلاح عامیانه «ولو بودن»
روبه‌رو هستیم.

به کارگیری کلمات رایج و متداول محاوره‌ای،
به جای واژه‌های رسمی و قاموسی، اضافه بر
تسریع انتقال مفهوم به مخاطب، موجب همدلی و
همراهی نیز می‌شود.

دامن من چین‌چینه / آبی آسمونیه /
ستاره‌های ریز داره / فقط مال مهمونیه!

(شکوه قاسم‌نیا - دامن چین‌چینی - از: به خاطر خروسه)

در اینجا با زبان شکسته محاوره‌ای رو به
روئیم. این نوع استعمال زبان، بیشتر در شعر
گروه خردسال مطرح است.

ج - تصویرآفرینی از طریق برجستگی‌های
زیبائی:

دیشب آسمان پر از ستاره بود / ساده و زلال و
صاف / ماه در میان دست‌های او / گرد مثل یک کلاف

(افسانه شعبان‌نژاد - کلاف ماه - از: یک کاسه شبنم)

در این‌جا، کاربرد صفت «ساده و زلال» برای
«آسمان»، نوعی برجسته‌سازی زبان به حساب
می‌آید.

صبح فردا دشت پر غم می‌شود / قلب زن‌ها پر
ز ماتم می‌شود...

(جعفر ابراهیمی - از منظومه فصل خون میناب)

کاربرد خاص زبانی «پرغم»، به جای «غمگین»
نیز از مقوله برجسته‌سازی زبانی است.

خدا بال و پر پروازشان داد / ولی مردم درون
خود خزیدند / خدا هفت آسمان باز را ساخت / ولی

که می‌تواند تصویری زنده و جاندار از آن منطقه
بیافریند:

حرف گل بود و یونجه و شبدر / حرف گیلاس
بود و زردآلو / حرف یک باغ خرم و آباد / حرف
گل‌های پونه لب جو...

(افسانه شعبان‌نژاد - سایه و تنهایی - از: پونه‌ها و پروانه‌ها)

عناصر طبیعی یونجه، شبدر، گل پونه، باغ و...
تصویری از روستا را تداعی می‌کند.

تنشسته بر لب کارون، گلی به نام پریوش،
کشوده شعله گلبرگ / شکفته چون گل آتش... /
کنارها به کنارش / در آستانه چیدن / و
خوشه‌خوشه خرما / در انتظار رسیدن...

(اسدالله شعبانی - پریوش - از: ساز شاخه‌ها)

کارون، کنار، خوشه خرما و حتی آتش همگی
یادآور منطقه جنوب است.

هفت بند کهنه کاکاعلی / ناله‌اش مثل صدای آب
بود / شاهنامه خوانی عامو رضا / داستانش رستم و
سهراب بود...

(ناصر امین‌پور - بال‌های کودکی - از: به تول پرستو)

ث - تصویرآفرینی از طریق به کارگیری افعال
و اصطلاحات عامیانه و محاوره‌ای:

ای حسین، ای پیام آزادی / بگفت سرخ بام
آزادی...

(احمد پورروهباب - از منظومه امام گل‌ها)

در این‌جا شاعر، از تلفظ عامیانه «گفتر»، به
جای کیوتر، استفاده کرده است.

این جنازه تو نیست، نیست / من کفن سرم
نمی‌شود! / واقعاً اگر تو رفته‌ای / من که باورم
نمی‌شود.

(افشین علاء - پس چرا...؟ - از: چکه‌چکه اشک)

شاعر از اصطلاح عامیانه «سرم نمی‌شود»،

مردم قفس را آفریدند...

(قیصر امین‌پور - کشف قفس - از: به قول پرستو)

جابه‌جایی فعل‌ها («ساختن» در مورد خداوند و «آفریدن» در مورد مردم) نیز بهره‌گیری از این شگرد است.

شاخه‌ها آینه‌زار برگ بود / چه‌چه گنجشک‌ها بی‌مرگ بود...

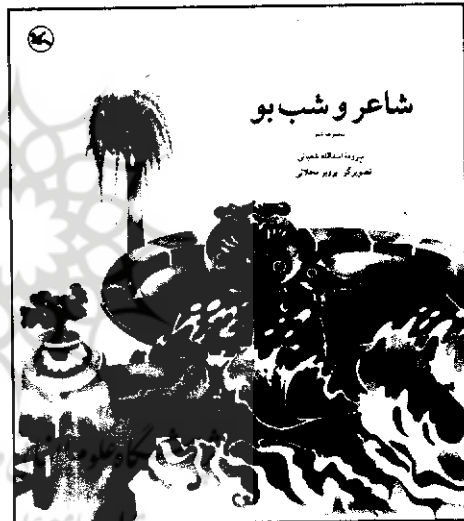
(اسدالله شعبانی - آینه‌های کودکی - از: شاعر و شب‌بو)

کساربرد ترکیب جدید «آینه‌زار»، زبان را برجسته کرده است.

شد، فقط در شعر خردسال (سنین زیردبستان) که کودک از طریق درک شنیداری، با شعر برخورد دارد و هنوز جنبه‌های بصری - نوشتاری آن را نیاموخته، مفید و جایز است. به هر حال، نوع تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان، باید به شیوه‌ای صورت گیرد که دو اصل «جمال‌شناسیک» و «رسانگی و ایصال» در آن رعایت شود.^(۱)

چ - تصویرآفرینی از طریق آشنایی‌زدایی، برجسته‌سازی و هنجارگریزی:

مهم‌ترین کارکرد هنر و ادبیات، ایجاد کردن دید تازه در مخاطب نسبت به پدیده‌های مألوف است. «بنابر نظریه روان‌شناسی گشتالت، انسان به هر چیزی که عادت کند، آن را آن‌طور که باید و شاید نمی‌بیند. یکی از ویژگی‌های ذهن انسان، این است که هر چیز برایش عادت می‌شود و خود به خود، حساسیتش را از دست می‌دهد.»^(۲) به عقیده شکلوفسکی (دیدگاه فرمالیست‌ها)، هنر به طور خستگی‌ناپذیری می‌کوشد تا دیدگاه ما را تازه کند و برای رسیدن به این مقصود، از صناعت «غریب‌سازی» یا «آشنایی‌زدایی» بهره می‌گیرد.^(۳) به نظر می‌رسد که بحث از آشنایی‌زدایی در ادبیات کودکان، ضرورت کم‌تری دارد؛ زیرا انحراف از نرم کلام بزرگسالانه که در نوع خود، باعث ادبی شدن زبان می‌شود، یکی از شیوه‌های عادی سخن‌گفتن کودکان است. کودکان جمله‌بندی



تابلوی فصل‌های بی‌درنگ / روستا، ای خواب شیرین و قشنگ...

(محمدکاظم مزینانی - جاده - از: نان و شبنم)

کاربرد صفت «بی‌درنگ» برای «فصل»، بساعت برجستگی زبانی شده است.

درباره تصویرآفرینی از طریق برجستگی‌های زبانی، یک نکته دیگر قابل ذکر است. برجستگی زبان، شرط لازم برای زیبایی کلام است، اما شرط کافی آن نیست. مثلاً استفاده از زبان شکسته عامیانه (مجاوره) که در این مبحث از آن سخن گفته

۱. ر.ک. محمدرضا، شفیعی‌کدکنی؛ موسیقی شعر، صص ۱۳ و ۱۴.
۲. محمدهادی، محمدی؛ «فرایند آفرینش ادبیت و معنای ادبیات کودکان»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۷، ص ۱۴.
۳. واژه روسی این اصطلاح otstranennost می‌باشد که ostranennost تلفظ می‌شود. به انگلیسی Making Strange (غریب‌سازی) یا Defamiliarization (آشنایی‌زدایی) خواننده می‌شود. ر.ک. نعمت‌الله، ایران‌زاده؛ ویژگی‌های سبک غزلیات سعدی، رساله دکترای دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۱۳.



خود را به منظور ادبی شدن، از هنجار عادی خارج نمی‌کنند، بلکه آن‌ها بر اساس نوع دیدگاه‌های خود سخن می‌گویند. بنه هر روی، در بساره برجسته‌سازی‌ها و هنجارگریزی‌هایی که در شعر کودک و نوجوان صورت می‌گیرد نیز رعایت دو اصل جمال‌شناسی و رسانگی، ضروری است.

[پر بودن آب از صورت ماه: کاسه از آب پر است / آب از صورت ماه / کودکی تشنه رسید / کرد بر کاسه نگاه...]

(اسدالله شعبانی - آب و مهتاب)

[پیدا شدن خنده در نگاه: باز هم یا قلقلک‌های نسیم / در نگاهش خنده پیدا می‌شود / از صدای بازی بزغاله‌ها / در دلش یکباره غوغا می‌شود...]

(افسانه شعبان‌نژاد - صدای زنگوله - از: یک کاسه شبنم)

اتاق / غرق در صدای تار عنکبوت / و من پر از

سکوت...

(افسانه شعبان‌نژاد - شب در عبور - از: شیشه آواز)

صدای داشتن تار عنکبوت، نوعی آشنایی‌زدایی است که می‌توان آن را «حقیقت ماندنی» نامید. حقیقت ماندنی آن، حاصل این است که در ایهام تناسب میان تار عنکبوت و تار که از ابزار موسیقی است، ارتباط ذهنی هنری برقرار شده است. از سکوت پر بودن نیز هنجارگریزی معنایی دارد. (۱)

در میان کوچه چند بید / زیر باد ایستاده‌اند...

(جعفر ابراهیمی - طرفان - از: بوی گنجشک)

«زیر باد ایستادن» که به قیاس «زیر باران ایستادن» ساخته شده، دارای هنجارگریزی واژگانی است.

[غرق آبی شدن آسمان: آسمان یکپارچه /

غرق آبی می‌شود...]

(بیوک منگی - از: هوای صبح)

ح - ترکیب‌ها و عبارات‌های تصویرآفرین

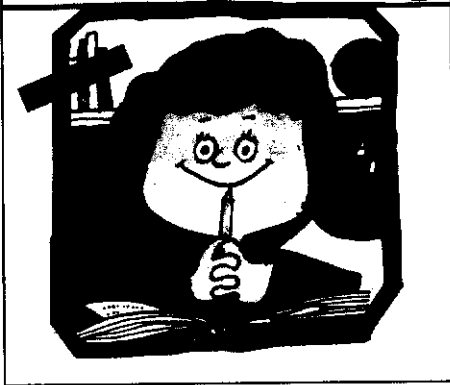
گاه تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان، از طریق ایجاد ترکیب‌های نو و ابداعی صورت می‌گیرد. اغلب نام مجموعه شعرهای کودکان و نوجوانان، از این‌گونه است. این ترکیب‌سازی‌ها به چند طریق انجام می‌گیرد (همه مثال‌های این بخش، از نام مجموعه شعرهای کودک و نوجوان برگزیده شده است):

۱. از طریق عطف کردن دو نام ناهمگون به یکدیگر: نان و شبنم، پروانه و گل‌سر، عصا و اسب‌چوبی، شاعر و شب‌بو، آدم و پروانه، آب و مهتاب، بابا و باران، پونه‌ها و پروانه‌ها، ماه و ماهی و...
۲. از طریق تشخیص: تنها انار خندید، سیب‌جان

۱. در دیدگاه زبان‌شناسی لیچ، هنجارگریزی به انواعی دسته‌بندی شده است: هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی، زمانی و... رک. کوروش، صفوی؛ از زبان‌شناسی به ادبیات، ج ۱، صص ۴۷ تا ۵۴.

۱ حسنی کلاس چنده؟

سروده مهدی شهبان
تألیف ن. ناصحی گلشن



عنکبوت ترس، دفتر سکوت، پاییز غم، سیب کال کودکی‌ها، بذر شادی، ریسمان آرزو، کفتر دعا، سایه جاری، چکیدن آواز، باریدن بلاء، جرعه‌ای خواب، چکیدن دعا، چکیدن ستاره، چکیدن شب، نوشیدن شعر، باریدن نسیم و پروانه، وزیدن بال فرشته، وزش خاطره، وزیدن تیر، چکیدن خستگی، کاشتن کلاغ، چیدن پروانه، شکفتن ابر، پژمردن پرواز، چیدن ماه و ستاره، روییدن پرواز، شکفتن خون، کاشتن بوسه، بوی کال، طلوع کردن چشم‌ها، فسیر چهچه، اسکناس برگ‌ها، رنگ سکوت، فندک خورشید، شمش یخ، شرشر خنده، صدای کاغذی، سایه خیس، گلیم‌زیر صبر، بوسیدن آسمان، لهجه ماشینی... بی‌شک، تحلیل و بررسی تصویرهای شعری کودکان و نوجوانان، می‌تواند از دیدگاه‌های دیگر و به شیوه‌های دیگر نیز صورت گیرد و این امری است بایسته و لازم. بدیهی است که برای تقویت نقش شعر، در بارور کردن تخیل و عاطفه کودکان و نوجوانان و حتی بهره‌گیری از آن به عنوان یک ابزار آموزشی یا امکان بیانی، ناگزیر از تقویت جنبه‌های کاربردی و بلاغی زبان و استفاده از توانایی‌های بالقوه آن در شعرهای کودک و نوجوان هستیم.

سلام، آه پونه، به قول پرستو، ابر اومد باد اومد، لبخند شبنم‌ها و...

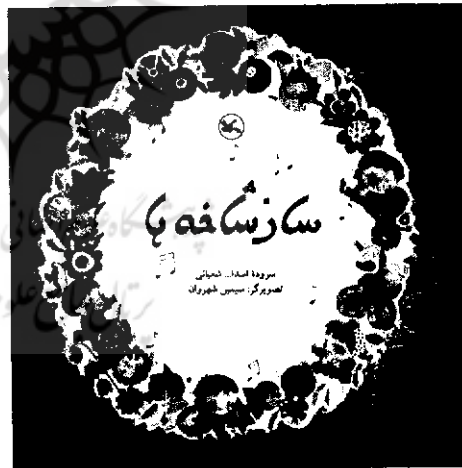
۳. از طریق استعاره مکنیه (جاندارپنداری، سیال‌پنداری و شیئی‌پنداری): بر بال رنگین‌کمان، چکه‌ای آواز تکه‌ای مهتاب، بوی گنجشک، آسمان را بنویس، پنجره‌های آسمان و...

۴. از طریق انواع تشبیه: ساده مثل آسمان، ساز شاخه‌ها، مثل چشمه مثل رود، میوه‌های‌شان: سلام؛ سایه‌های‌شان: نسیم، آب مثل سلام، چشمه نور، موسیقی باد و...

۵. از طریق ترکیب‌های بدیع: فصل خون مهتاب، برف گل‌یاس و...

۶. از طریق قیده‌های بدیع (وابسته‌های عددی): یک کاسه شبنم، یک سبد بوی بهار و...

۷. از طریق نامگذاری‌های جدید: دست کوچولو پا کوچولو...



تصویرآفرینی از طریق ساختن ترکیب‌های نو و بدیع، از مهم‌ترین و رایج‌ترین نوع تصویرسازی در شعر کودک و نوجوان است. اغلب ترکیب‌های جدید، حاصل تشبیه یا استعاره مکنیه (خصوصاً از نوع گیاه‌پنداری و سیال‌پنداری) است. تعدادی از هنری‌ترین ترکیب‌های بدیع، در شعرهای بررسی شده، عبارتند از:

فهرست منابع

۱. نعمت‌الله، ایران‌زاده: ویژگی‌های سبک غزلیات سعدی؛ رساله دکترای دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی آقای دکتر تقی پورنامدaran؛ پاییز ۱۳۸۰.
 ۲. زان، پیازه و باربل اینهلدر؛ روان‌شناسی کودک؛ ترجمه دکتر زینب توفیق؛ تهران: نشر نی، چ ۷، ۱۳۷۱.
 ۳. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان: شماره‌های مختلف.
 ۴. مریم، شریف‌نسب؛ تحلیل تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، به راهنمایی آقای دکتر منوچهر اکبری، شهریور ۱۳۸۰.
 ۵. محمدرضا، شفیع کدکنی؛ شاعر آینه‌ها: بررسی سبک هندی و شعر بیدل؛ تهران: آگاه، ۱۳۶۶.
 ۶. محمدرضا، شفیع کدکنی؛ صور خیال در شعر فارسی؛ تهران: آگاه، چ ۵، ۱۳۷۲.
 ۷. محمدرضا، شفیع کدکنی؛ موسیقی شعر؛ تهران: آگاه، چ ۴، ۱۳۷۳.
 ۸. کوروش، صفوی؛ از زبان‌شناسی به ادبیات؛ جلد اول: نظم؛ تهران: چشمه، ۱۳۷۳.
 ۹. محمود، کیانوش؛ شعر کودک در ایران، تهران: آگاه، چ ۲، ۲۵۳۵.
 ۱۰. محمدهادی، محمدی؛ روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، تهران: سروش، ۱۳۷۸.
 ۱۱. میمنت، میرصادقی (ذوالقدر)؛ واژه‌نامه هنر شاعری؛ تهران: مهناز، ۱۳۷۳.
- فهرست کتاب‌های بررسی شده:
- مقولات مورد بحث، در اصل پایان‌نامه، در یکصد مجموعه شعر کودک و نوجوان، مورد بررسی قرار گرفته است. اما در این فهرست، فقط مشخصات کتاب‌هایی، که شواهد این مقاله از آن‌ها برگرفته شده است، ذکر می‌شود.
۱. جعفر، ابراهیمی (شاهد)؛ آب مثل سلام، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چ ۱۳۷۷، ۳.
 ۲. جعفر، ابراهیمی؛ آواز پوپک؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چ ۲، ۱۳۷۸.
 ۳. جعفر، ابراهیمی؛ بوی گنجشک؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چ ۲، ۱۳۷۴.
 ۴. جعفر، ابراهیمی؛ بوی نان تازه؛ تهران: حوزه هنری، چ ۲، ۱۳۷۶.
 ۵. جعفر، ابراهیمی؛ پروانه در باران، تهران: زلال، ۱۳۷۴.
 ۶. جعفر، ابراهیمی؛ خورشیدی این‌جا خورشیدی آن‌جا، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چ ۳، ۱۳۷۶.
 ۷. جعفر، ابراهیمی (شاهد)؛ فصل خون مهتاب؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چ ۲، ۱۳۷۸.
 ۸. جعفر، ابراهیمی؛ مثل یاس؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۴.
 ۹. قیصر، امین‌پور؛ به قول پرستو؛ تهران: زلال، ۱۳۷۵.
 ۱۰. قیصر، امین‌پور؛ نظیر روز دهم؛ تهران: سروش، ۱۳۷۳.
 ۱۱. پوروهاب، محمود؛ امام گل‌ها؛ تهران: مدرسه، چ ۲، ۱۳۷۷.
 ۱۲. قیصر، امین‌پور؛ صدای ساز باران؛ تهران: کانون پرورش... ۱۳۷۸.
 ۱۳. مصطفی، رحماندوست؛ کوچه‌های آبی؛ تهران: محراب قلم، چ ۵، ۱۳۷۸.
 ۱۴. مصطفی، رحماندوست؛ موسیقی باد؛ تهران: مدرسه، ۱۳۷۴.
 ۱۵. افسانه، شعبان‌نژاد؛ پونه‌ها و پروانه‌ها؛ تهران: سروش، چ ۲، ۱۳۷۶.
 ۱۶. افسانه، شعبان‌نژاد؛ شیشه آواز؛ تهران: کانون پرورش... ۱۳۷۴.

۱۷. افسانه، شعبان‌نژاد؛ یک کاسه شب‌بنم؛ تهران: مدرسه، چ ۲، ۱۳۷۶.
۱۸. اسدالله، شعبانی؛ خانه پروانه‌ها؛ تهران: مدرسه، چ ۲، ۱۳۷۷.
۱۹. اسدالله، شعبانی؛ ساز شاخه‌ها؛ تهران: کانون پرورش...، ۱۳۷۴.
۲۰. اسدالله، شعبانی؛ شاعر و شب‌بو؛ تهران: کانون پرورش...، ۱۳۷۴.
۲۱. اسدالله، شعبانی؛ علی کوچولو و مدرسه؛ تهران: قدیانی، ۱۳۷۶.
۲۲. افشین، علاء؛ یک سبد بوی بهار؛ تهران: افق، چ ۴، ۱۳۷۶.
۲۳. شکوه، قاسم‌نیا؛ به خاطر خروسه؛ تهران: شفق، ۱۳۷۷.
۲۴. شکوه، قاسم‌نیا؛ حسنی کلاس چنده (۱)؛ تهران: پیدایش، چ ۱۲، ۱۳۷۸.
۲۵. کار مشترک؛ آب و مهتاب؛ تهران: کانون پرورش...، چ ۳، ۱۳۷۶.
۲۶. کار مشترک؛ چکه چکه اشک؛ تهران: قاصدک، چ ۳، ۱۳۷۳.
۲۷. کار مشترک؛ گل آینه قرآن؛ تهران: شکوفه، چ ۲، ۱۳۷۳.
۲۸. ناصر، کشاورز؛ بوی گردوهای کال؛ تهران: کانون پرورش...، ۱۳۷۶.
۲۹. محمدکاظم، مزینانی؛ ساده مثل آسمان؛ تهران: رویش، ۱۳۷۵.
۳۰. محمدکاظم، مزینانی؛ نان و شب‌بنم؛ تهران: قدیانی، چ ۲، ۱۳۷۴.
۳۱. بیوک، ملکی؛ از هوای صبح؛ تهران: سروش، ۱۳۷۶.
۳۲. بیوک، ملکی؛ بر بال رنگین‌کمان؛ تهران: سروش، چ ۲، ۱۳۷۵.
۳۳. حمید، هنرجو؛ برف گل‌یاس، تهران: شاهد، ۱۳۷۷.
۳۴. حمید، هنرجو؛ مثل ظهر عاشورا؛ تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۶.